



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۶۵۰۰۷-۰۹۱۲۳۵۸۳۲۹۳ • چاپ: مصمیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۲ • ۲۴ شوال ۱۴۴۴ • ۱۵ می ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۵۴ • ۱۲ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۲۲

اذان صبح فردا ۳:۲۱ • طلوع آفتاب ۴:۵۹

شرق

روزنامه

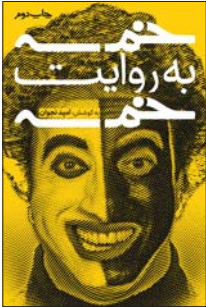
یک سال خوب – ریدلی اسکات - ۲۰۰۶

مکس اسکینر (راسل کرو)؛ هیچ‌وقت نمی‌تونی نور را بدون تاریکی درک کنی هر باختی مقدمه پیروزی است.

اول تاریکی را بشناس بعد برو سراغ تاریکی.

بعدرت هم می‌فهمی آدم از پیروزی چیزی یاد نمی‌گیرد.

علی‌رضا خمسه به روایت کلمات



کتاب «خمسه به روایت کلمات» این روزها به چاپ دوم رسیده است. اثری در ۳۰۴ صفحه که در کنار روایت دقیق و ارائه نسبتاً کاملی از زندگی شخصی و هنری علی‌رضا خمسه، می‌کوشد نوشته‌های پراکنده، آثار مکتوب و سایر فعالیت‌های هنری این بازیگر پرسابقه و قدیمی سینما، تئاتر و تلویزیون را یک جا به مخاطب عرضه کند.

این کتاب توسط انتشارات «خط و طرح» و به کوشش امید نجویان، نویسنده و منتقد سینما، منتشر شده است.

نجویان درباره شکل‌گیری ایده کتاب مورد بحث می‌گوید: «اواسط تابستان سال ۹۹ سرکار خانم توکا ملکی، از مدیران انتشارات خط و طرح، با من تماس گرفتند و پیشنهاد کردآوری کتابی از نوشته‌های آقای خمسه را مطرح کردند.

زمانی که این پیشنهاد مطرح شد، بی‌درنگ یاد اولین بار افتادم که نوشته‌های از ایشان را در مجله «فیلم» خوانده بودم.

در یک چشم برهم‌زدن به گذشته‌های دور برگشتم و

خودم را دیدم که در لباس سربازی مثل جادوزده‌ها به سوی

کیوسک مطبوعات می‌روم، شماره نوروز ۱۳۷۰ را می‌خرم و

علی‌رغم میل باطنی‌ام به یادگان برمی‌گردم! صادقانه باید اعتراف کنم وقتی چشمم به یادداشت آقای خمسه در کنار فهرست آن شماره از مجله افتاد، باور نکردم که چنین متن باشکوه و زیبایی را بازیگر سریال معروف «هوشیار و بیدار»

و هنرپیشه فیلم‌های محبوب و جذاب دوران نوجوانی ما (یعنی «زیر بام‌های شهر»، «روز باشکوه» و «لنگرگاه»)

نوشته باشد و با خودم گفتم احتمالاً آن نوشته، کار کس دیگری است.»

نجویان در ادامه می‌گوید: «وقتی کار جمع‌آوری و دسته‌بندی نوشته‌های آقای خمسه به جریان افتاد، به این نتیجه رسیدیم که در این کتاب جای یک سال‌شمار نسبتاً جامع و کامل درباره زندگی شخصی و فعالیت‌های رسمی و غیررسمی این هنرمند خالی است؛ به همین خاطر با همکاری خود ایشان و بسا استفاده از مدارک و مستندات پراکنده‌ای که وجود داشت، بخش قابل توجهی را به زندگی‌نامه ایشان و البته جزئیات دقیق آن اختصاص دادیم.»

وی همچنین درخصوص نحوه نام‌گذاری کتاب می‌گوید:

«در همین زمان بود که به نظر رسید «خمسه به روایت خمسه» می‌تواند نام مناسبی برای این کتاب باشد و با خودم فکر کردم کلمه‌ها و جمله‌هایی که توسط آقای خمسه به آثار مکتوب تبدیل شده‌اند، می‌توانند روایتگر مناسبی برای فضای ذهنی و روحیات این هنرمند بازیگر باشند. اما بر اساس بازخوردهایی که پس از پایان چاپ کتاب دریافت کردم، متوجه شدم خیلی‌ها در برخورد نخست دچار این تصور شده‌اند که علی‌رضا خمسه در سراسر این مجموعه نوشتار به روایت خود پرداخته و در حقیقت، کوبی کتاب، داستان زندگی خمسه به روایت خود اوست؛ از این زاویه شاید بهتر بود نام کتاب به «علی‌رضا خمسه به روایت کلمات» تغییر پیدا می‌کرد که عنوان مناسب‌تر و البته دقیق‌تری است.»

گردآورنده کتاب مورد بحث، در پایان می‌گوید: «این کتاب

دربرگیرنده کامل‌ترین مجموعه از نوشته‌های این بازیگر پرسابقه و شناخته‌شده است که تعدادی از آنها (ازجمله اشعار آقای خمسه و همچنین برگردان ایشان از شعرهای شاعران بزرگی نظیر ژاک پرودر و پابلو نرودا) در کنار خلاصه فیلم‌نامه‌های «پستچی دو بار زنگ می‌زند»، «هم‌ولایتی سلام»، «دراکولا؛ مرد خون‌آشام» و «دکتر جون تازه چه خبر!؟» برای نخستین بار منتشر شده‌اند.

نوشته‌هایی که به‌طور حتم می‌توانند برای محققان و دانشجویان سینما و رشته‌های هنری الهام‌بخش و مؤثر باشند.»

فاطمه معتمدآریا، خسرو دهقان و زنده‌یاد کیومرث پوراحمد نیز یادداشت‌های جداگانه‌ای درباره علی‌رضا خمسه نوشته‌اند که در بخش مقدمه این کتاب به چاپ رسیده است.

درخت آرزوهایمان مُرد

آزاده تاج‌علی؛ ازدست‌دادن‌ها، تا زمانی نامعلوم، صورت همه ازدست‌دادگان را خراش می‌دهد. با هر نگاه به عکس‌های رنگتان، هر بوییدن عطری که آنان را به خاطر می‌آورد و هر نامی که شبیه نام آنان است، ما تا لحظه‌هایی متمدن مجبوریم به اینکه قلبمان را لاته برنده سپاه سوگ کنیم. سوگ‌ها اما گاهی برای انسان‌ها نیست و نمی‌شود مثلاً وقتی پشت تلفن صدایت گریه‌ای را مخفی می‌کند و دوستی می‌پرسد چه شده، بزنی زیر گریه و جوابی بدهی؛ مثل جمله‌ای که ماه گذشته از یک زن روس شاغل در تهران شنیدم و ساعت‌ها نشستم به فکرکردن درباره سختی ازدست‌دادن‌ها و احترام به ماهیت آنچه از دست رفته بین قومیت‌ها و مردمانی دیگر. هنوز داستان «آنا» که جایی نزدیک بر مرز روسیه و چین به‌دنیا آمده از ذهنم پاک نشده بود که در جزیره محل زندگی‌ام، کیش، خبر آمد درخت سبز خشک شد.

مرگی که از ۲ سال پیش آغاز شد

درختی که از گونه «انجیر معابد» یا لور است، بومی استان‌های جنوبی ایران و مناطق استوایی به‌شمار می‌رود. این درخت احترام فراوانی بین هندیان دارد و بسیاری معابدشان را زیر ریشه‌های هوایی آن می‌سازند تا مردم، در کنار قداست آن، بهتر با خدایشان نیایش کنند. پس از انتشار خبر در هیچ رسانه، صفحه و خبرگزاری‌ای ندیدم که بگوید درخت سبز کیش مُرد. این فعل را در نهایت در یک باغ سرسبز بومی برای ازدست‌دادن درخت سبز شنیدم.

برای آشنایی با رازدورزیست درختی که دیگر نداریمش، به «باغ ابراهیمی» رفته؛ محدوده‌ای در انتهای محله «خانشر» در گوشه‌ای از کیش و میانه یک جاده خاکی کنار قبرستان قدیمی اهل تسنن. جایی از این جزیره چندهزارساله که باغدار هنرمند و تاریخ‌دانی آن را همچنان سرسبز و آباد نگه داشته است. مردی که چندین نفر نخل بلندقامت ۶۰ساله و درختان کنار لیمو، لوز، انجیر و چند درخت لوز یا همان انجیر معابد را به شایستگی باغبانی و در کنارش از اجزای مختلف نخل‌هایش، حصیربافی می‌کند.

«ابراهیم ابراهیمی» برای همه فعالان و دوستداران محیط زیست در جزیره کیش نماد حفاظت از کره مسکون و احترام به طبیعت است. او نگاهبان درخت‌هایی است که به نیض دستان او خور گرفته و هر روز پس از نماز صبح، همچنان با وضو به کنارشان می‌رود و نوازششان می‌کند. او که اکنون ۶۶ سال دارد، گهواره‌اش از نوزادی زیر همین درختان لور بسته شده و بعد، با بازی در سایه آنها و خوراگ‌گرفتن با هیزم چوب‌هایشان رشد کرده است. او به گمان، بهترین صاحب‌نظر درباره درختان لور جزیره کیش و درخت ازدست‌رفته است. ابراهیم می‌گوید: «چه کسی اصلاً باید درخت خشک‌شده را هرس کند؟ اینها نمی‌دانستند باید اول درخت رول (تلفظ عربی لور) را کُرت‌بندی کنند، آبیاری کنند و بعدش اگر جوانه داد، هرس کنند؟ نه، مشکل این چیزها نیست و سال‌های سال و حداقل ۱۵ سال است که ما در همین خانشر خیلی کم‌اگر بخواهم بگوییم، ۶۰ درخت لور را از دست دادیم. همه لورهای این طرف و آن طرف باغ من مُردند». او ادامه می‌دهد: «آمدند اینها را شیلینگ انداختند و شرکت عمران گفت می‌خواهیم آبیاری کنیم. آخرش فهمیدیم با آب دریا آبیاری کردند که شور و مضر است. یک زمانی هم آمدند که بیا این شیلنگ عمران خدمات را در باغ بر زیر نخل‌هایت بینداز، من اما محکم ایستادم گفتم اصلاً نمی‌گذارم»

زنان

زنان بیشتر از مردان مبتلا به آلزایمر

سی‌ان‌ان گزارش داده که طبق تحقیقات جدید استفاده مرتب از اینترنت باعث کاهش ابتلا به زوال عقل و آلزایمر در افراد مسن می‌شود.
بیماری آلزایمر شایع‌ترین نوع زوال عقل است که تا ۷۰ درصد موارد باعث فراموشی می‌شود. طبق گزارش انجمن آلزایمر جهان، این بیماری حدود ششش میلیون نفر در ایالات متحده ر تحت تأثیر قرار می‌دهد و حدود دوسوم از مبتلایان را زنان تشکیل می‌دهند.
نیویورک‌تایمز از یک نشریه پزشکی گزارشی تهیه کرده است. طبق تحقیقات انجام‌شده «افزایش سن» بزرگ‌ترین عاملی است که خطر ابتلا به بیماری آلزایمر را افزایش می‌دهد و از آن جهت که زنان به‌طور متوسط بیشتر از مردان عمر می‌کنند، این بیماری در بین آنها گستردگی بیشتری دارد. بر اساس گزارش مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها در آمریکا، در سال ۲۰۲۱، امید به زندگی زنان در هنگام تولد در ایالات متحده ۷۹٫۱ سال بود، درحالی‌که این رقم برای مردان ۷۳٫۲ بود. البته مدیرعامل و مشاور رادیولوژیست عصبی در گفت‌وگو با نیوزویز تأکید کرده است: «خطر ابتلا به بیماری آلزایمر چندعاملی است»، اما همچنان این سؤال مطرح است که چرا زنان بیشتر از مردان در معرض خطر ابتلا به آلزایمر هستند؟ آیا سال‌های بیشتری که زنان زندگی می‌کنند به تنهایی می‌تواند سبب شود تا خطر ابتلا در زنان افزایش یابد؟ در تحقیقات جدید به نظر می‌رسد که تغییرات هورمونی پس از یائسگی ممکن است به افزایش خطر ابتلا کمک کند و همچنین زنان ممکن است از نظر ژنتیکی امکان ابتلای بیشتری نیز داشته باشند.
به نظر می‌رسد نوع ژن «APOE ε4Trusted Source» که خطر زوال عقل را افزایش می‌دهد و حدود ۱۵ تا ۲۵ درصد افراد آن را حمل می‌کنند، در زنان تأثیر بیشتری نسبت به مردان دارد. همچنین در تحقیقات عوامل اجتماعی و سبک زندگی نیز مدنظر قرار گرفته است. انجمن آلزایمر اخیراً



● **سد کلابر** که در ۵۰کیلومتری جنوب شرقی زنجان و در شهرستان ایجرود واقع شده است، در سال‌های اخیر با خطر آلودگی مواجه شده و در روزهای اخیر دو هزار قطعه ماهی در این سد تلف شده‌اند. عکس: بهرام بیات، ابرنا

بهترشدن و زیاترشدنش، کسی مثل من که بلد است، باید کمی از چوب‌هایش را ببرد. در قدیم که از این چوب استفاده می‌شد، همه می‌دانستیم که رنگ دودش سفید است و حتی همین دود چوب سوخته لور به بقیه دودها شرف دارد که رنگ‌شان سیاه است. برگ‌های درخت لور هم خاصیت درمان دارند و برای خوب‌شدن مزاج از آنها استفاده می‌کنیم. حالا من نمی‌دانم چطور می‌روند این درخت را بی‌خودی می‌برند. ما در جزیره یک درخت‌هایی داریم که بین عرب‌های خودمان می‌گوییم «اسرائیلی». خب سازمان به‌جای اینکه این اسرائیلی‌ها را ببرد، می‌رود لسور را می‌برد. این درختان تا پنج متر نمی‌گذارند حتی یک ذره علف در اطرافشان سبز شود. اصلاً مثل اسرائیلی‌ها هستند که به فلسطینی‌ها حمله می‌کنند». او دیگر چند رچ از سبذ زیباییش را بافته و باز دلشش آرام نمی‌گیرد. ادامه می‌دهد: «قدیم‌ها که برق نبود، از برج سه مردم از خانه می‌زدند بیرون. می‌آمدند تا چند ماه در همین باغ‌ها و جنگل‌های کیش کپر می‌زدند و زندگی می‌کردند. فقط هم زیر درختان لسور را انتخاب می‌کردند، چون این لورهایی که از کلکته به کیش آوردند، خیلی به درخت‌های دیگر مزیت دارد. مثلاً هر جایی که آب می‌ریخت، باز یک نهال کنار یا داخل کپرها سبز می‌شد و تا سال بعدی باز درختان بیشتری هم داشتیم. فقط هم همین نبود، برگ‌های لور خیلی بزرگ است و زنان ما اگر موقع غذا درست‌کردن زیر درختی بودند، موقع افتادن برگ داخل غذا سریع متوجه می‌شدند اما برگ درختان دیگر را نمی‌شد با وزش باد تشخیص داد که چگونه می‌افتند در غذا».

ابراهیم با دستان سبزکننده‌اش به لور انتهای باغ نگاهی می‌اندازد و می‌گوید: «صد سال دارد و همین الان برگ‌های قدیمی‌اش دارد خزان می‌کند و برگ‌های جدید جوانه می‌زند. خب آبیاری خوب و هرسی که ما از بچگی یاد گرفتیم، به خوب‌ترشدنش باز هم کمک می‌کند». نگاهی می‌اندازم به آنچه پیرامون مرد باغبان حصیرباف است. گلدان‌های کوچک تا ردیف‌ها در جای‌جای دیده می‌شوند. ما هرکدام نهال کوچکی از لور بزرگ به دنیا آمده و منتظر پدری‌کردن پیر نگاهبان جزیره است. کسی که سال‌های سال از عمرش را به تمامی وقف سبزیزنگی نخل‌های مُسُلی، غرایب، خنزی، کبکاب و کنارها و لیموهای جنوبی کرده ولی چسان مورد بی‌مهری واقع شده که برای نگاهداشت درخت تاریخی جزیره آباواجدادی‌اش از



● درخت انجیر معابد که دچار قارچ زندگی شده است.

حقوق خوانی

صدور قرار کفالت برای شقایق دهقان

اَمَنده؛ کاوه راد، وکیل دادگستری در اینستاگرام خود از تشکیل دو پرونده قضائی و صدور قرار کفالت برای «شقایق دهقان» خبر داده است. کاوه راد درباره پرونده خانم شقایق دهقان توضیح داده است: «برای خانم شقایق دهقان دو پرونده قضائی تشکیل شده است. پرونده اول در شعبه چهارم بازرسی دادسرای فرهنگ و رسانه و پرونده دوم در شعبه ۱۰۹۹ دادگاه ارشاد تهران». او ادامه داده است: «صبح روز ۲۳ اردیبهشت به همراه شقایق دهقان برای ارائه توضیحات در دادسرای رسانه حضور یافتیم و جلسه تفهیم اتهام برگزار شد. عنوان اتهامی جریحه‌دارکردن عفت عمومی از طریق انتشار تصویر حقیر بدون حجاب در جلسه رونمایی از یک کتاب است». این وکیل دادگستری درباره روند دفاعیات نوشته است: «بخش نخست دفاعیات و گفت‌وگوهای بین ما و بازپرس محترم، علی‌رغم وجود اختلاف‌نظر در ماهیت و عنوان اتهامی، در فضایی سازنده و احترام‌آمیز ارائه و در نهایت برای ایشان قرار کفالت صادر شد. بخش دوم دفاعیات را در قالب لایحه کتبی در روزهای آینده به دادسرای رسانه تقدیم خواهیم کرد». حدود یک هفته پیش تصویری از شقایق دهقان با پوشش اختیاری در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که گفته شد در مراسم رونمایی از یک کتاب گرفته شده است. حضور این بازیگر در دادگاه پس از حضور تعدادی دیگر از بازیگران زن رخ داده است. پیش از این، نازنین تقفی پور، وکیل چند نفر از بازیگران زن سینما، در گفت‌وگو با روزنامه «شرق» اعلام کرده بود که «در چند مورد اخیر نیز پرونده به دادسرای فرهنگ و رسانه ارجاع داده شده که در حال تحقیقات مقدماتی است». برای دو نفر از بازیگران که جرمه یک و نیم میلیون تومانی در نظر گرفته شده، اشد مجازاتی است که در این زمینه صادر شده و دادگاه با سخت‌گیری چنین حکمی داده است.